

The 12th Persbook  
Contemporary Art  
Event Oct–Nov2023

دوازدهمین رویداد  
هنر معاصر  
پرسبوک آبان و آذر ۱۴۰۲

# تن-باف

**BODY-WEAVING**

دفعه  
استودیو مستند



**دوازدهمین رویداد هنر معاصر پرسبوک**

عنوان: تن - بافی

پروژه کیوریتوریال از: ندا درزی - رضا منجری

آبان و آذر ۱۴۰۲

سالانه‌ی هنر معاصر پرسبوک، با درک شرایط موجود جامعه امروز ایران، برای هم‌افزایی هنرمندان معاصر و همچنین اهداف بلند مدتی که از دوره‌های پیشین در قبال زیست‌بوم کشورمان و جامعه داشته‌است، اعلان عمومی این دوره را منتشر می‌کند.

**چشم‌انداز:**

پرسبوک قصد دارد برای ساختن معنا در زمان‌های که مفاهیمی چون فقدان و غیاب به گونه‌ای گریزناپذیر بر تمام مراتب زیستی انسان پدیدار گشته، ایفای نقش کند. همچنین با پاسداشت جنبش‌های مدنی امروز ایران، برای برساخت فرهنگی-اجتماعی نظامی نوین، امیدواریم بتوانیم در جهت نیاز جامعه هنرمندان یا نمودی از بُروز هنر معاصر ایران گام برداریم. در ادوار گذشته سالانه‌ی هنر معاصر پرسبوک، توجه به روندهای مشارکتی و همکاری هنرمندانه، هنر دستکار زنانه، هنر محیط‌زیستی، مکان‌ویژگی و مرکزگرایی جایگاه ویژه‌ای داشته‌است؛ از دیگر سو نیز آنچه بیش از پیش در ایران معاصر و اکنون مورد توجه و واکاوی قرار گرفته، «کنشگری هنری» است که با خوانش‌های متفاوتی در بستر هنر معاصر و هنر اجتماعی ظهور یافته است. هنری که گاهی { مفید } خوانده می‌شود و سعی می‌کند با دستاوردهایی هرچند کوچک و ملموس، نوعی کارکردگرایی را در گفتمان هنری مدنظر قرار دهد. این هنر امکان بروز بیشتری در هنر عمومی نیز داشته‌است. هنری که در مفهوم عام، در فضای عمومی قابل مشاهده و قابل دسترس (یا برای) مردم باشد. در واقع این هنر بدنبال تأثیر «امر دیداری» بر گفتمان عمومی است. چنین هنری می‌تواند در عناصر ثابت مکان شهری یا بافت بناهای کهن گنجانده شود، همچنین می‌تواند پروژه‌ای نامانا مانند چیدمان و رویدادهای هنری و هنر بدن‌مند باشد. بدین ترتیب هنرمندانی که دغدغه محیط‌زیستی و اجتماعی دارند، امکان وسیعی برای مشارکت شهروندان و همکاری هنرمندان در خارج از گالری و موزه‌ها برای آنان فراهم است. از زمانی که نگاه‌ها از محصول نهایی (شی‌ءوارگی هنری) در هنر گرفته‌شد و فرایند خلق اثر اهمیت بیشتری یافت، حضور هنرمند در کنار مشارکت‌کنندگان به عنوان عاملی سرنوشت‌ساز بدل گردید و از این طریق آموزش‌های همگانی، هشدارهای محیط‌زیستی و کارکردهای فرهنگی را نیز امکانپذیر کرد. می‌کوشیم کنشگری هنری را از طریق روابط بین فردی و در جهت نیل به نوعی زیبایی‌شناسی اجتماعی دنبال کنیم.

در جهت ایجاد فضای تعاملی و با توجه به تغییر و تحولات اجتماعی، پرسش‌های ذیل، حائز اهمیت‌اند:

- چگونه می‌توان با کنش مدنی و فرهنگ سازی راوی زمانه خود برای نسل‌های آتی باشیم؟
- هنرمند (یا منتقد) با چه شگردی می‌تواند عاملی بازدارنده یا خالق بازآفرینی یک موقعیت شود؟

-وظیفه هنرمند در قبال تغییرات روزآمد جامعه با نگاه به مفهوم کنشگری چگونه باید باشد؟ سالانه این دوره پرسبوک، محل تقابل دیالکتیک دیدگاه هنرمندان با این پرسش‌ها خواهد بود.

در این دوره یکی از پروژه‌های پیشین را بهانه رویداد پیشرو قرار داده‌ایم؛ اجرایی که نشانه بود و آبستن از تکاملی زاینده در بستر همگرایی و همنشینی جامعه هنرمندان ایران. «رگ سرخ» عنوان پروژه‌ای با همکاری هنرمندان، به کیوریتوری ندا درزی در سالانه پرسبوک ۱۳۹۶ بود. این پروژه محیطی، استعارهای از شریان جهنده بر سطح زمین خشک منطقه کویری با استفاده از الیاف و با بدن هنرمندان شکل می‌گرفت. آنجا که هنرمندان شاهرگی سرخ را در تداوم یکدیگر و یا در تبادل با پوسته بناهای خشتی سنتی، به اثری مکان‌ویژه تبدیل کردند. حال قصد داریم فارغ از ارجاعات احتمالی آفرینش‌های هنری دیگر در این دوره، این عنوان را در ساحتی گسترده و با مشارکت/ همکاری هنرمندان، در قالب هنر مکان‌ویژه و با سطح دسترسی هر یک از هنرمندان در اقلیم و زیست‌بوم خود ادامه دهیم. از این منظر پژوهش‌های بوم‌شناس معاصر و فعال محیط زیست («سوزان سیمارد») راه‌گشای چشم‌انداز این دوره است. او در جنگل‌های کانادا نتایج شگرفی از گفتگوی درختان با یکدیگر و از فواصل دور را نشان می‌دهد. سیمارد روایتگر زندگی اجتماعی متوازن و در عین حال پیچیده درختان است. درختان جنگل شبکه‌ای زیرزمینی برای تبادل اطلاعات و انرژی دارند و رابطه‌ی همیاری آنها از طریق درختان کانونی (هاب) آغاز می‌شود که معمولاً دسترسی بهتری به نور خورشید دارند، بنابراین عمل فتوسنتز بالاتری داشته و قادر به تولید گلوکز بیش از نیاز خود می‌شوند. درختان هاب از طریق شبکه قارچ‌های زیرزمینی و ریشه‌هایی که به یکدیگر متصل می‌شود، آب و مواد معدنی را به اشتراک می‌گذارند همچنین هنگامی که درختی مورد تهدید قرارگیرد به دیگر گیاهان علائم هشدار ارسال کرده و درختان دیگر به شدت تحت تاثیر قرار می‌گیرند. چنین رابطه‌ی همزیستی سبز سازنده بین قارچ و ریشه‌دوانی گیاهان، می‌تواند به شکلی تطبیقی و استعاری، رگ سرخی باشد که هنرمندان را در جامعه‌ای متأثر از رخدادهای بنیادگرا و تلخ، به یکدیگر فراخواند. روزه نور را باز نگه دارد یا شریانی سرخ را فریاد کند.

### بخش اول: ریشه دوانی

هنرمندان معاصر همواره در پی بازآفرینی هنرهای زیبا و استخراج از هنر سنتی گام برداشته‌اند. ریشه‌دوانی در محیط به شکل چیدمان یا با رویکرد هنر الیاف برای نزدیک شدن به طراحی‌های شبه علمی و طبیعت، نقطه عزیمت خلاقیت و پیوند با هنر زنان است. همچنین استفاده از مواد بازیافتی در هنر الیاف، بستری برای خلق آثار هنری موقت و مکان‌ویژه در هنر محیطی است. این گسترش و ریشه‌دوانی از آزمایش و دستکاری در کارماده‌ها آغاز می‌شود و با بسط مفاهیم جدید در همه هنرها، تا تنیدگی و ریشه دوانی اجتماعی گروه‌های انسانی و تعاملات بین فردی ادامه می‌یابد.

### بخش دوم: بدن گسترده

باید بدانیم بدن‌ها چیزهایی نیستند که ما به آنها معنا بدیم بلکه بدن‌ها {خود} معنا هستند؛ آیا می‌توانیم ارائه فیزیکی مفاهیم و مقاصد از طریق بدن هنرمند را نمایشی حاوی پیام و همه اطلاعات زیست معاصرش بدانیم؟ آیا بدن می‌تواند خاستگاه صفاتی چون زخمی، دردمند یا فربه قرارگیرد؟ برای حضور مداخله‌گر هنرمند

در گفتمان مرتبط با این سوالات و فارغ از چیستی یا چگونگی پاسخ، برآنیم تا این رویداد، فرصتی برای نسبت‌های گنشمند و اجتماعی آن باشد. در زمانه‌ی مداخله، احاطه و سیطره بر بدن‌ها، ضرورت صحبت از بدن گسترده‌ی اجتماعی کاملاً بجاست. هنگامی که هنرمندان بدن خود را در تداوم و متأثر از محیط و اجتماع بکار می‌برند، این نوع رویکردها به وضوح گرایش به سمت گزاره‌های جمعی (در عین فردیت بدن) را تقویت می‌کند. بدن‌هایی کنشگر، معترض، متصل به یکدیگر یا منفصل که متأثر از دردها و رخدادهایی یکسان‌اند. در این راستا حضور مفاهیمی چون «گسترش بدن هنرمند» با نگاه پدیدارشناسانه، در هنر معاصر منجر به خلق آثاری هستی‌شناختی و فلسفی نیز شده‌است.

### بخش پژوهش‌های دوره دوازدهم:

تولید یا زیستن «هنر»؟! پاره‌هایی برای تفکر/پوریا جهان‌شاد  
جُستاری در «هنر به مثابه کنشگری»/رضا منجزی  
عکاسی در هنر معاصر: ثبت امر نازیبا یا ثبت عینی (مستندنگاری)/امین علی‌کردی  
تمرین روزمره آزادی فردی/پاملا کریمی

### نحوه‌ی برگزاری:

آثار هنرمندان با رعایت مکان و ویژگی یا امکان دسترسی هر هنرمند در اقلیم و مکان موردنظر (خارج از گالری) اجرا، تولید شده و مستندات به شکل ویدیو، عکس و متن از طریق درگاه‌های مجازی و رسانه‌ای سالانه هنر معاصر پرسبوک به نمایش در می‌آید. کاتالوگ دیجیتال حاوی پژوهش‌ها و آثار هنرمندان دوره دوازدهم نیز منتشر خواهد شد. گفتگو با پژوهشگران در قالب گفتگوی آنلاین، پیرامون چیستی و چگونگی خلق آثار از دیگر برنامه‌های سالانه هنر معاصر پرسبوک خواهد بود. امکان فروش آثار با هماهنگی هنرمند، حامی مالی پروژه یا خریداران مستقل در بستر تعاملات جامعه مخاطبین رویداد پرسبوک وجود دارد.

تدوین و آماده‌سازی ویدیو هنرمندان با اهتمام و همراهی مجموعه «حرف‌هنر» انجام شده و طراحی گرافیک و هویت بصری رویداد را مجتبی شریعتی و گرافیک‌موشن را بی‌تا عامل اجرا کرده است. کارگاه‌های ۱۴۰۲ پرسبوک با همکاری «رزیدنسی دیما» برای هنرجویان و علاقمندان در سیاهکل فراهم شده است. این کارگاه‌ها با ایجاد بستر مناسبی برای آموزش گرایش‌های هنر معاصر، می‌کوشد به رسالت همیشگی پرسبوک؛ کشف استعدادهای جوان نیز کمک شایانی کرده باشد.

### اسامی هنرمندان دوازدهمین رویداد هنر معاصر پرسبوک:

مژده اتراک، ابراهیم ادوای، نجمه امینی، منصوره باغ‌گرایی، سارا ساسانی، حمیده سبحانی، نسرين شاه بیگی، انیسه صالح نیا، زهره صولتی، آیدا علی‌بخش، اسماعیل قنبری، محمود مکتبی، زهرا نیکورای، فرزین هدایت زاده

---

## The 12th Persbook Contemporary Art Event

Body–Weaving

12th Curatorial Project

By Neda Darzi & Reza Monjezi

Oct –Nov 2023

---

The Annual of Persbook Contemporary Art issues their public statement about their 12th event for the purpose of contemporary artists) synergy, among the awareness of Iran society)s present conditions, and also for the long–term aims starting from the previous events concerning Iran)s ecology and society.

---

### The Perspective:

Persbook intends to play role in the meaning creation at the time the concepts such as lack and absence are inevitably felt in all life levels of humans. Also, in honor of Iran)s current civil movements and for constructing a modern sociocultural system, we hope to take actions for demonstrating needs of artists) community or displaying Iran)s contemporary art. In the previous annual events of Persbook Contemporary Art, the participative trends, artistic coordination, women)s handicrafts, environmental art, site–specificity, and decentralization have attentively achieved superior status. On the other hand, what is in attentiveness and under scrutiny in the contemporary and present Iran more than ever is activism with distinct readings in the context of contemporary art and social art. This art sometimes called useful attempts sometimes to represent achievements –however modest and tangible– and to take a type of functionalism into consideration of artistic discourse. It could be displayed more in the public art too, generally being an observable and accessible art in the public space (or for people). Indeed, this art pursues influence of the visual matter on general discourse. It can be utilized in the fixed elements of urban places or old buildings) construction. Also, it can become a non–stationary project like as artistic decorations and events and body art. Therefore, the artists having environmental and social concerns can broadly enjoy participation of citizens and coordination of artists outside of galleries and museums. Since the perspective has been primarily moved away from the ultimate product (the artistic reification) in the art to work creation process, artist attendance among participants has been viewed as a significant determinant, contributing to universal training and awareness of environmental warnings and cultural functions. We attempt to pursue activism through interpersonal relations for representing a kind of social aesthetics.

For the purpose of creating an interactive context and with regard to social changes and developments, the following questions are crucial:

- How can we narrate our time for next generations through activism and culturization?;
- How can an artist (or critics) broadly influence avoidance or recreation of a situation?; and
- What is the duty of artist on the current social changes from an activism perspective?

12th annual of Persbook provides a dialectic forum for artists) viewpoint about above questions. The 12th annual was inspired by one of previous projects. That was an expectant indication of a recreating evolution at the base of convergence and comradeship among Iranian artists) community. Blood Vessel project was carried out with cooperation of artists and curatorship of Neda Darzi and Persbook in 2017. That environmental project was a metaphor of a flowing artery throbbing on the desert)s dry land by using fibers and the body of artists. There, the artists turned Blood Vessel into a site-specific, along a continuum and/or in the interaction with traditional adobe buildings. Now, apart from possible references to the other artistic creations in the present event, we are going to broadly continue this movement with the participation and coordination of artists, through site-specific art, and with the access of artists to their ecology. Studies of contemporary ecologist and environmental activist Suzanne Simard is a guidance to our event perspective. Her findings in Canada forests show spectacular results about distant communication of trees together. Simard narrates balanced and complicated social life of trees. Forest trees enjoy an underground network for exchange of information and energy and their close interactions begin through focal (hub) trees that usually have better access to sunlight and therefore can do much more photosynthesis and can produce glucose more than their need. Hub trees share water and nutrients through underground fungal networks and interconnected roots. Also, when a tree is threatened, it sends warning alerts to other trees and strongly influences them. This green symbiotic and constructive relationship between fungus and rootage can be viewed as a metaphor of blood vessel gathering artists from a society being influenced by fundamentalist and eerie happenings. it can contribute to the light opening or utter the loud cry of an artery. a metaphor of blood vessel gathering artists from a society being influenced by fundamentalist and eerie happenings. it can contribute to the light opening or utter the loud cry of an artery.

---

### **First Part: Rootage**

Contemporary artists have been ever pursuing fine arts recreation and derivation from the traditional art. Rootage in environment in the form of decoration or through the fabric art for getting closer to designs being similar to science and environment is the point of linkage between creativity and female art. Also, use of recycled materials in fabric art offers a context for creation of temporary artistic and site-specific works in the environmental art. This broadness and rootage begin by examining and manipulating female acts and continue by expansion of new concepts in arts, social intersectionality, rootage of the human groups, and interpersonal interactions.

---

### **Second Part: Broad Body**

We should know bodies are not the things we give meaning to. Rather, bodies are themselves the meaning. Can we regard the physical presentation of concepts and objectives through an

artist body as the indication of their contemporary life information and message? Can the body become the inception of attributes such as wounded, distressing, and bulky? For the artist intervention in the discourse relating to these questions and apart from what the answers are and how they are answered, we hope this event becomes an opportunity for the related social and active relations. At the time of intervention in, confinement of, and domination on bodies, it is necessary to discuss the broad social body. When artists utilize their body due to their influence from environment and society, these kinds of approaches strengthen enthusiasm for collective propositions (beside the body individuality) i.e. protesting activist bodies together or away from each other, influenced by identical pains and events. In this regard, concepts such as artist's body broadness from a phenomenological viewpoint in the contemporary art contribute to creation of ontological and philosophical works.

---

### **Research Group of 12th Event:**

**Pouria Jahanshad, Producing or living in art?: Some Pieces for Thinking**

**Reza Monjezi, An Essay on Art As Activism**

**Amin Ali Kurdi, Photography In Contemporary Art: A Non-aesthetic Matter or A concrete Record (documentation);**

**Pamela Karimi, Commitment of Artist Body to Every day Exercise of Freedom**

---

### **The Event Holding Method:**

Works of artists have been produced with respect to site-specificity or the possibility of their access to their concerned ecology and place (outside of the gallery) and their related video clips, photos, and texts are shown in online platforms and media channels of Persbook's Annual Contemporary Art. Digital catalogue of studies and works of artists attending 12th annual will also be on the release. The online talks to artists about the what and the how of their works are of the other programs of Persbook's Annual Contemporary art. The works can be sold after communication with artist, the project's supporters, or independent buyers in the context of Persbook's audience community interactions.

Video clips of artists were edited and prepared by Harf-e Honar. Graphic design of the event's visual image was done by Mojtaba Shariati and graphic motion rests with Bita Amel.

Our workshops in 2023 along with show of works for art students and audience are being held by cooperation of Dima Residency . These workshops can be a great help for identifying young talents by teaching contemporary art trends.

---

**Artists of our 12th event are Ebrahim Advay, Ayda Alibakhsh, Najmeh Amini, Mojdeh Atrak, Mansoureh Bagharaei, Ismail Ghanbari, Farzin Hedayatzadeh, Mahmoud Maktebi, Zahra Nikooray, Aniseh Salehnia, Sara Sasani, Nasrin Shahbeigi, Hamideh Sobhani, Zohreh Solati**

Body Weaving

The 12th Persbook Contemporary Art Event



تن بافی

دوازدهمین رویداد هنر معاصر پرسبوک

پروژه مشارکتی رگ سرخ به سرپرستی  
ندا درزی، پرسبوک ۷، مهر ۱۳۹۶

Red Blood Vessel, A Collaborative Art Led  
by Neda Darzi, Persbook 7, 2017







---

## مژده اتراک

### عنوان: دست به دست

---

این گره مشترک دست به دست باز می‌شود و گره می‌خورد.  
«گره» هر کسی به دست دیگری باز می‌شود و همه این دست‌ها هم در ایجاد این گره و هم در باز شدنش سهیم هستند. تا زمان ساخت این ویدیو، این گره از تهران به اصفهان، رشت، بندرانزلی و لاهیجان سفر کرده و توسط ۶۰ نفر باز و بسته شده‌است.  
این پروژه ادامه دارد...

---

**Mojdeh Atrak**

**Title :Hand to hand**

---

This shared knot is tied and untied by hands. Everyone's knot is untied by another one. All of these hands have participation in tying and untying of this knot.

This knot has been tied and untied by ۶۰ people and has travelled from Tehran to Isfahan, Rasht, Bandar Anzali, and Lahijan until production of this video work.

This project keeps going on...

Body Weaving

The 12th Persbook Contemporary Art Event



تن بافی

دوازدهمین رویداد هنر معاصر پرسبوک





---

ابراهیم ادوای  
عنوان: «به رده بووکه»

---

پرسش از کیستی و جستجوی ابعاد هویت در زیست روزمره همیشه همراه من بوده است. بازگشت به خویشتن و حضور در عرصه عمومی و فضای شهری با پوششی از آینه‌ها برای من به منزله یک تمرین است؛ تمرین مواجهه با ترس‌ها و ممنوعیت‌ها و تمرین چگونگی با تمام وجود در لحظه زیستن و زندگی کردن. آینه‌ها، دیگران و تکثر زیستشان را بر بدنم منعکس می‌کنند و ما را در هم می‌تاباند. کیستی «ما» نوعی درهم تنیدگی است که در این اکنون مهم تاریخی و با اهداف مشترک در هم بازتاب پیدا می‌کند.

---

Ebrahim Advay

Title: Barda Booka

---

Humans like a metamorphosed being in an endless cycle cause their destruction when they are leading life to destruction. Let's take a look at dark past of humans, a past full of war and bloodshed, aggression and destruction and its destructive relationship with the surrounding environment and other creatures. It seems as if human being is a machine at the service of genes for destruction and ruin and his life is nothing except deterioration, exhaustion and nothingness. It seems that there is no sign of wisdom, will and awareness in humans and rationality does not rule over them and they are just moving beings for genes.

I chose this stone because it was similar to Earth in terms of form and material. Artist action is a sign of life being empty of human will, resulting in a corrosive and bloody relationship between Earth and man. Over the years, we observed a large number of activities being done by many NGOs, activists and scientists to protect the environment, but the circle of destruction is gradually getting wider and wider, as if it can not be stopped.

Body Weaving

The 12th Persbook Contemporary Art Event



تن بافی

دوازدهمین رویداد هنر معاصر پرسبوک





## نجمه امینی، آیدا علی بخش عنوان: مأمَن

خانه، همیشه انطباقی منطقی با عواطف و احساسات ما در گذشته و نمود بیرونی و بالفعل ما با اکنون داشته‌است، بخش بزرگی از افعال امروز ما، حاصل تجربیاتی است که به عللی گوناگون در خانه کسب کردیم. فضا سازی و پیکربندی خانه در گذشته، حاصل یک تفکر، بینش و فرهنگ بود که اکنون هویت خویش را از دست داده‌است و به جسمی چندفرهنگی و نیمه جان تبدیل شده‌است. هنگامی که به نوع پردازش و ساختار خانه در گذشته می‌نگریم آنچه بیش از هر چیز خودنمایی می‌کند، طراحی فضا با نقش منحصر بفرد افرادی است که در آن می‌زیسته‌اند که بی‌شک آنچه قابل درک است و نقطه عطف آن، حضور زن است. زنی که وام دار فرهنگ و زمانه خویش است، همیشه در کانون کنترل خانه و آنچه در دامان خود می‌پروراند تاریخ را رقم می‌زند. حتی اگر با نگاهی غیرتخصصی صرفاً به پیکربندی معماری در خانه‌های قدیم بنگریم، ظرافت زنانه در آن هویداست. طاقی آراسته در فضای بیرونی، مطبخ گرم در فضای درونی، حوضی در نقطه کانونی که همیشه با گلدان‌های شمعدانی در اطرافش می‌درخشد و پنجره‌ای رو به حیاط که پرده‌اش در باد و آفتاب بهاری می‌رقصد. ظرافت‌هایی که اکنون در معماری تهی‌امروزی جایش خالی‌ست و حضور پررنگ زن در شکل‌گیری فرهنگ را اثبات می‌کند. اگرچه اکنون ساختار خانه رنگ باخته اما همچنان زن در نقطه عطف خانه که حتی جامعه باقی‌مانده است. بی‌شک تفکر شکل گرفته در گذشته، زمینه ساز شکوفایی امروز بوده‌است.

«خانه‌حسن زاده»، مکانی رو به نابودی با قدمتی چند صد ساله است که دوباره با نفس‌های زنی در حال احیاست، ما برآنیم تا دوباره روح‌گذشتگان را در آن زنده کنیم و دوباره زیستن، در فضایی که هویت و فرهنگ، بازیگران اصلی‌اش هستند را تجربه کنیم و دوباره دامن زنی را برای پرورش نسلی نو بر آن بگستریم.

---

**Najme Amini, AidaAlibakhsh**

**Title:maeman**

---

Home has always had a logical match to our past emotions and feelings and our present outward and actual appearance. A large part of our present actions is the result of experiences we have gained for whatever reason at home. The setting and construction of homes in the past was the result of a thought, insight, and culture whose identity is now being lost and turned into a multi-cultural and half-alive entity. When we look at process and structure of houses in the past, what is shown more clearly is a type of design in which persons living there play unique role. What is undoubtedly understandable in such a design and what is milestone are the presence of women who are the inheritor of their culture and era and always manage home environment. What they nurture makes history. Even if we look at architecture of old houses unprofessionally, feminine features are abundantly clear. Outdoor decorated chamber, indoor warm kitchen, a pond in the center embracing geraniums, and a window facing the courtyard whose curtains dance during spring sun and wind. These typical features are now absent in today's soulless architecture and prove the strong presence of women in creating culture. Although traditional construction of houses has faded over the years, women have still remained pivotal at home and society. Undoubtedly, the past way of thinking did the groundwork for today's flourish.

Hasanzadeh House traces back to centuries ago and is on the verge of destruction. Now it is being revived with the breaths of a woman. We are going to bring the past spirit alive and experience life again in a space where identity and culture are the main actors, allowing a woman once again to nurture a new generation there.



Body Weaving

The 12th Persbook Contemporary Art Event



تن بافی

دوازدهمین رویداد هنر معاصر پرسبوک





---

## منصوره باغرایبی عنوان : پَر پرواز

---

شجاعت نموده‌های مختلفی دارد و آدم شجاع براساس قدرتی، شجاعت را در خود تقویت می‌کند. برای بعضی اعتقادشان به چیزی و بعضی زور بازویشان، برای بعضی دیگر سر و زبانشان، پول، جاه و مقام و... باعث می‌شود که شجاعانه رفتار کنند. اما زنان با موهایشان به شجاعت رسیده‌اند و با اعتقادشان به آزادی. همان موهایی که از خیابان و اماکن عمومی باید پنهان می‌کردند و پر پروازشان شده‌است. حالا در حال تجربه کشف جدیدشان در خیابان هستند و با صلابت بالهایشان را به نمایش می‌گذارند. مثل پرنده جوانی که اولین پروازش را تجربه می‌کند.

---

**Mansoorah Bagharaee**

**Title:Wing For Flight**

---

Braveness has several shapes and a brave people strengthen their courage due to their specific abilities and powers. They behave bravely by relying on their beliefs, physical power, powerful expression, wealth, status, social class etc. However, Iranian women showed their braveness through their hairs and belief in freedom. The hair they had to cover in public places has been their wing for flying. Now they are experiencing their newly discovered ability and rigorously show their wings. They are like a fledged bird experiencing their first flight.

Body Weaving

The 12th Persbook Contemporary Art Event



تن بافی

دوازدهمین رویداد هنر معاصر پرسبوک





---

## سارا ساسانی عنوان: متعلقات

---

ریشه‌های رونده در پیرامون انسان معاصر، بیانگر دغدغه‌های او در رابطه با مهاجرت است؛ مهاجرتی که هیچ‌گاه رخ نداده است و من به عنوان یک شهروند در شرق جهان، به مانند بسیاری از انسان‌های زیسته در این زمین، ریشه دوانده‌ام و ریشه‌ها تنیده و پیچیده بر تن و بدنم، مرا به ماندن سوق داده است. ریشه‌هایی که مصداق تعلقات و وابستگی‌های من در این سرزمین است. ماندن و زیستن در سرزمین شرق میانه و مواجهه با مسائل و مصائب آن، در ذات خود، کنشگری است.

این پروژه در لایه‌ای دیگر، به «تن» به عنوان بدن انسان معاصر اشاره دارد. تنی پیچیده در میان ریشه‌های متعلقات که به امور روزانه خود می‌پردازد. بنابراین تن اجراگران در زمان اجرای پروژه به منزله جسم‌هایی آمیخته با وابستگی‌ها، تلقی و در میان ریشه‌های تنیده بر بدنشان احاطه می‌شوند.

همچنین خانه به مثابه وطن («home»)، به عنوان مکان ویژه‌ای برای اجرای پروژه در نظر گرفته شده است.

---

Sara Sasani

Title: Belongings

---

Roots around contemporary humans can express their concerns about immigration: An immigration that has never happened. I – as a citizen in the east part of world and like many people living in it – have been surrounded and wrapped around by the roots asking me to stay. These roots indicate my ties and belongings to this land. Staying and living in Middle East lands and getting into its troubles and misfortunes are inherently a kind of activism.

In another layer, this project refers to body as the contemporary human body. It is a complicated body among the roots of belongings, being busily concerned with ordinary matters. Therefore, bodies of performers during the project are considered as bodies being mixed with belongings and being surrounded by the roots spreading over their bodies.

Also, home as a homeland is considered as a special place for carrying out the project.

Body Weaving

The 12th Persbook Contemporary Art Event



تن بافی

دوازدهمین رویداد هنر معاصر پرسبوک







## حمیده سبحانی

### عنوان: گفتگوی ریشه ها

باغستان‌های سنتی قزوین تا همین سال‌های نه چندان دور، گرداگرد شهر و محله‌های آن را فراگرفته بود و با درختانی که سال‌ها با زندگی روزمره مردمان این سرزمین عجین بوده است. این باغستان‌ها علاوه بر نقش اقلیمی و تعدیل شرایط جوی، جزئی از هویت اجتماعی و فرهنگی مردمان این شهر نیز بوده است. تا آنجا که ناصر خسرو نیز در سفرنامه خود، قزوین را شهری در میان باغ‌ها توصیف کرده است. این میراث گران‌بها در سال ۱۳۹۳ در فهرست آثار ملی به ثبت رسید و در مسیر ثبت جهانی در حالی که طی نیم قرن گذشته در معرض خطر جدی نابودی قرار گرفته است. روند توسعه نامتوازن شهری باعث شده که روح این باغستان‌ها بارها و بارها در معرض آزار و انحصار بتن، بنا، ماشین و خیابان قرار گیرد و گویی این توسعه‌ی کالبدی بی‌ضابطه با بی‌توجهی در حال انحلال و نابودی روح زیست و زندگی در این منطقه است. بر آن شدیم تا با همکاری هنرمندانی دغدغه‌مند به ۷ مثابه بدن‌هایی کنشگر و متأثر از دردها و رخداد‌های مشترک بین درختان باغستان با معنای گفتگوی ریشه‌ها ارتباطی همچون رگ‌هایی از جنس حیات ایجاد کنیم. با اتصال بدن‌ها به یکدیگر، توجه عمومی و خرد همگانی را بگسترانیم و دریچه‌هایی از امید و زندگی بگشاییم.

## Hamideh Sobhani

### Title: Conversation of Roots

Until recently, traditional gardens have around all parts of Qazvin. Old trees had been intertwined with daily life of people over centuries. In addition to their role in ecology and balanced state of weather, these gardens have been a part of social and cultural identity of Qazvin people. Nasser Khosrow described Qazvin as a city among gardens in his travelogue.

This valuable heritage was registered as a national place in ۲۰۱۴. Although steps is being taken for its global registration, it has been in verge of destruction in the recent half of century. Due to unbalanced urban development, these gardens frequently received exposure to concretes, vehicles, streets. This unconventional development is recklessly destroying sense of life in this region. We decided to create a relationship for this artery of life called conversation of roots in participation with considerate artists as activist bodies influenced by shared pains and matters of garden trees.

Body Weaving

The 12th Persbook Contemporary Art Event



تن بافی

دوازدهمین رویداد هنر معاصر پرسبوک





## نسرین شاه بیگی عنوان : فریاد بدن

غلطیدن رقص است همچون سماع.  
رها شدن در پیچش دردهاست.

تکرار می شود و تکرار می شود تا سر شود. تکرار و تکرار و تنها غلطیدن برای تکرار. غلطیدن در بستری از صحنه نبرد و تکرار اندامهایی که بی جان شده اما ادامه می دهند.

می غلطند تا به یاد مانند که ((هستم))، هنوز زنده هستم. اکیداً زنده خواهم ماند...

ردی از من. من زنده. من مبارز به جا خواهد ماند و تنها چیزی که از ما به جا می ماند، دیگر صدا نیست. گوشه برای شنیدن نیست! صداهایی که توان ماندن ندارند باید نظاره شوند و تکه تکه هایی از این اندام خسته و زخمی در مقابل چشم همگان، ندای آزادی دهد.

**Nasrin Shahbeigy**

**Title :Shout of Body**

Whirling is like dance of Sufi dervishes. It is a kind of being free in twists and turns of pains.

It is being repeated, repeated, and repeated until it turns numb.

it is being repeated, repeated, and repeated for whirling in struggles and whirling bodies become breathless but continue what they are doing. They continue to stress "I still exist", "I'm still alive", "I will definitely survive...", "there is still a trace of myself, my struggle, and life".

The only thing that remains from us is not the voice because

There is no ear to listen.

Voices that cannot survive must be observed.

And any piece of this tired and wounded body will call freedom before others.

Body Weaving

The 12th Persbook Contemporary Art Event



تن بافی

دوازدهمین رویداد هنر معاصر پرسبوک





---

## اثر مشارکتی ندادرزی و انیسه صالح نیا

### عنوان: عبور

---

از میان تنانگی آویخته، نطفه‌ای سرخ شکل گرفت. فارق از جنسیت، مسیر خود را تا انتها پیمود. گویی سرنوشت او چنان بود که فقط جاری باشد و پویایی ایجاد کند، برخی بر خاکستر ایستادند و فقط نظاره گر بودند و برخی با تمام وجود به رگ و پی‌اش افزودند تا شریان هستی به وجود آید...

ندا درزی / دی ۱۴۰۱

---

a collaborative art by Neda Darzi & Aniseh Salehnia  
Title: Passge

---

From the hanging carnality, a red seed was formed. Apart from gender, it pursued the route to the end as if its destiny was only movement to create mobility. Some stood on the ash and just met the glance. But, some others joined to the veins to form artery of life.

Body Weaving

The 12th Persbook Contemporary Art Event



تن بافی

دوازدهمین رویداد هنر معاصر پرسبوک



ور

ع

Aniseh Salehnia | Neda Darzi |  
انسه صالح نیا | ندا درزی





---

زهرة صولتی  
عنوان : «من» کیستم؟

---

پرسش از کیستی و جستجوی ابعاد هویتیم در زیستِ روزمره همیشه همراه من بوده است. رویارویی با تصویر «خودم» در آینه، به منزله‌ی تمرینِ بازگشت به خویشتن، مواجهه با ترس‌ها و نگرانی‌ها، چگونه با تمام وجود در لحظه زیستن و زندگی کردن هست.

---

Zohreh Solati

Title: TiWho am I?

---

Asking questions about my identity and exploring its various dimensions are what I do on a daily basis. Looking into the mirror and confronting my reflection is a way to reconnect with my true self, confront fears and concerns, and embrace the present moment with wholeheartedness.)

Body Weaving

The 12th Persbook Contemporary Art Event

۱۲

تن بافی

دوازدهمین رویداد هنر معاصر پرسبوک





## اسماعیل قنبری عنوان: «سامون دَر»

تصوری در ذهنم مدام تکرار می‌شود؛ که در زیست‌بوم من و در عمق جنگل‌های هیرکانی؛ چگونه می‌توانم تنها زندگی کنم؟ همزیستی در این شرایط با حیوان هیچ مرز تفکیک‌پذیری نمی‌تواند داشته‌باشد؛ اما چگونه همزیستی حاصل می‌شود؟ رایج‌ترین فکری که به ذهنم می‌رسد این است که با غذا دادن به حیوان آن را رام کرد، تا بتوان همزیستی مسالمت‌آمیزی با حیوان داشت.

اما سوال اینجاست؛ که با کشتن یک حیوان دیگر و تبدیل آن به غذا برای حیوان دیگر؟ پس حیوان کیست؟

به قول ژرژ باتای؛ این نظم عقلانی بر تعالی «انسان» استوار است و لازمه‌ی آن قربانی کردن طبیعت تحویل‌ناپذیر «حیوان» است. در منطقه‌ی جنگلی که در آن اجرا دارم؛ «سامون دَر» که به معنای منطقه‌ای است که با دره مرز آن مشخص شده‌است. که برای من مرز میان من «انسان» و «حیوان» تاویل می‌شود. که این دره به شکافی عظیم بین من «انسان» و «حیوان» اشاره دارد. در این اجرا می‌خواهم به شکل تسلیم‌پذیری محض، با دست و پای بسته جسمانیت خود را در تاریکی شب آماده برای غذای حیوان کنم، تا به تعبیری شاید رستاخیز روزی باشد که من! «انسان»

**Ismail Ghanbari**

**Title: Samoon Dare**

I frequently imagine something in my mind. How can I live in my habitat alone in depth of Hyrcanian forests?

In this situation, coexistence with animals can not have any indispensable boundary. But how can coexistence happen?

The most common thought in my mind is to tame animals by feeding them. By it, we can peacefully live with them.

Do we feed them by killing other animals and making food? If so, what animal is.

As Georges Bataille points out, this reasonable discipline relies on excellence of humans and it involves sacrificing the inalienable nature of animals.

In the forest area where I have had performance, Samoon Dare i.e. an area whose border is defined by a valley is the border between human, animal, and I from my point of view. I see this valley as a huge gap between humans, animals, and I.

In performance of Samoon Dare, I'm getting my body ready for food of animals in the darkness of night while my hands and feet are being tied in absolute surrender. Perhaps, by this, I the human can make the animal happy in resurrection day.

Body Weaving

The 12th Persbook Contemporary Art Event



تن بافی

دوازدهمین رویداد هنر معاصر پرسبوک



سامون در  
Ismail Ghanbari | اسماعیل قنبری



---

محمود مکتبی  
عنوان: عاشقان بی مزار

---

عشق یکی از موضوعات اصلی کارهای من است و از سال‌ها پیش درباره عشاق فکر می‌کردم، عاشقانی خارج از داستان‌های اسطوره‌ای و مشهور. در این سال‌ها، در میان تلی از خاک، در میان آتش، در فاصله‌ای میان زمین و آسمان، انسان‌هایی بوده‌اند که بی‌هیچ نشانی از میان ما رفته‌اند. مسئله برای من به سادگی افتادن و ایستادن است، چیدمان عمودی اشیاء و هر آن چیز که اینجا یافته‌ام، دوباره برپا داشتن زندگی است، هم‌انقدر که سکوت آن یادآور مرگ است.

---

**Mahmoud Maktabi**

**Title: Lovers without Tomb**

---

Love is one of main themes of my artworks. I have thought about lovers from many years ago, but not those of famous mythical stories. During these years, on a pile of soil, in the fire, and somewhere between earth and heaven, some humans left us without any trace. The matter for me is as much simple as falling and standing. Vertical arrangement of things and anything I found here mean the life is making stand again while the silence is the reminder of death.



Body Weaving

The 12th Persbook Contemporary Art Event




تن بافی

دوازدهمین رویداد هنر معاصر پرسبوک



عاشقان بی مزار

Mahmoud Maktabi | 

محمود مکتبی



## زهرا نیکورای عنوان : تخریب بر نوک اطمینان

پرداختن به آسیب محیط زیست یکی از دغدغه‌های هنری من است. همان‌گونه که انسان خود جزء حقیری از طبیعت است می‌بایست چنان در جوهر کائنات نفوذ کند که با آن به یگانگی برسد. طبیعت در سال‌های اخیر در خطر جدی قرار گرفته، از زباله‌های رها شده که موجب آتش سوزی می‌شوند تا قاچاق درختان، کارخانه‌ها و پالایشگاه‌هایی که اکوسیستم طبیعی خاک و هوا را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد. گیاهانی که شاید ریشه و عمر کوتاهی دارند حیات بشری و جانوری را در خود جای داده‌اند.

این اثر الهام گرفته از تقابل دشت‌های بابونه و جنگل‌های هیرکانی با صنایعی همچون کارخانه سیمان و پتروشیمی که درمجاورت آن احداث شده‌است. اثر سازه‌ای مقوایی است که خود جزعی از طبیعت است و در محیط اصلی (جنگل دشت بابونه‌ها) به نمایش درآمده است. در مقیاسی کوچکتر و با جزئیاتی از محیط زیست که بر روی آن طراحی شده‌است و محکوم به نابودی است زیرا تاریخ ثابت کرده انسان همواره در برابر طبیعت ضعیف بوده و این طبیعت است که به روشی جدید حتی به قیمت نابودی انسان به حیات خود ادامه می‌دهد.

**Zahra Nikooray**

**Title :Destruction at Tip of Certainty**

Environment is one of my artistic concerns. As humans are an inferior part of nature, they need to penetrate to base of universe in a way that oneness happens.

In recent years, nature has been exposed to extreme dangers from wastes being left abandoned and causing fire in forests to timber trafficking, factories and refineries disturbing the natural ecosystem of soil and air. The plants having short life and shallow roots hold a key to life of humans and animals.

This work is inspired by incompatibility of chamomile flower plains and Hyrcanian forests with industries such as cement and petrochemical factories being built nearby.

The work is a cardboard construction, and a part of nature, being displayed in the real environment (forest- chamomile flower plain) in a smaller scale. It includes some details of the environment and is condemned to destruction as history shows that humans always hardly encounter the nature. It is the nature that survives even at the cost of human destruction.

Body Weaving

The 12th Persbook Contemporary Art Event



تن بافی

دوازدهمین رویداد هنر معاصر پرسبوک





## فرزین هدایت زاده عنوان: آخرالزمان

وقتی که سلطه گر تنها می ماند و آزادی اشک شوق می ریزد. شلاق، در تاریخ بشر نمادی برای به سلطه در آوردن و مطیع ساختن بدن ها بود، بدن انسان به مثابه ی مکانی برای قدرت نمایی حکومت مسلط بود. کارمندان وظیفه شناس تحت امر نمونه ای از یک بدن سلطه یافته بودند که سعی در انتشار و تکثیر یافتن در فضایی داشتند که ارزشهای ایدئولوژیک و سلیقه ی ضد بشری یک طبقه را در خود گرد می آورد. در این تابلو ما تماشاچی تصویری نمادین از فضایی آخرالزمانی هستیم که در آن، قدرت سلطه گر مانده است و... آزادی اشک شوق می ریزد.

**Farzin Hedayatzadeh**

**Title: Apocalypse**

When an absolute ruler is left alone and freedom sheds tears of joy ....; During history of humans, whip was a symbol for playing God and making bodies obedient. Dominant rulers see human body as a place to show their power. A subordinate dutiful employee is an example of dominated body trying to be disseminated and proliferated in an environment full of ideological values and anti-human taste of a class. In this picture, we are watching a symbolic image of an apocalyptic space when the domineering power is left alone and freedom sheds tears of joy.

Body Weaving

The 12th Persbook Contemporary Art Event

۱۲

تن بافی

دوازدهمین رویداد هنر معاصر پرسبوک



